



شعر ابزاری و نهاده‌سازی آموزش

○ امیررضا باوند

مقاله حاضر بر آن است تا جایگاه شعر و کلام موزون را در فرآیند آموزش و مقام تعلیم و تعلم، به ویژه در عصر تکنولوژی آموزشی تبیین کند. به این امید که حوزه‌ها بتوانند از این عنصر ممتاز بهره گیرند. «نگاه حوزه»



تکنولوژی و علم در ظاهر رخ داده‌است تا بدان حد که تکنولوژی را میوه درخت علم جدید (Science) تلقی می‌کنند. در ساحت تفکر یونانی، تکنولوژی از وجهی «انتزاعی» و در علم جدید، تکنولوژی از وجهی انضمامی بهره‌مند است. از نظر «هیدگر»، «ماهیت تکنولوژی» به ما امکان می‌دهد که به نحو معینی جهان را بنگریم و به آن نظم دهیم و آن را بیاراییم و با آن مرتبط شویم. تکنولوژی از دیدگاه او نوعی ارتباط‌سازی با جهان است که مسبوق به نحوی معین از «انکشاف حقیقت» است و در ذات خود با دگرگونی مفاهیم اساسی اندیشیدن به جلوه می‌آید. پس تکنولوژی را از نظر وجود می‌توان متأخر از «آگاهی حضوری» دانست و جوهر آن را عین نوعی خاص از علم حضوری برشمرد. در تفکر فلسفی یونان، تکنیک دنباله جهان و طبیعت است، اما در دوره جدید تکنیک را در برابر طبیعت و عاملی برای تعدی و تعرض خودکامانه و تصرف بی‌رحمانه به آن برمی‌شمارند تا «عالم مصنوع» خود را ایجاد کنند. این

در وادی نظر «ارسطو» عبارت است از محاکات یا تقلید دل‌انگیزهای طبیعت و زیباییهای وجود انسانی و معنی دوم آن به «صنعت» تعبیر می‌شود. «ارسطو»، صنعت را تکمیل کار طبیعت برمی‌شمارد؛ لذا رویکرد تخریب از این زاویه «تولید» است که خود نوعی دانش به شمار می‌رود و با مقصد اخلاق که رفتار است متفارق می‌نماید. بر این اساس نیز فلسفه شعری یا صنایع ارسطو همان فلسفه تولید است. بنابراین تکنیک از منظر ارسطویی و یونانی تکمیل کار طبیعت است مثلاً تولید ابزار، از این نظر، طبیعت، فقط انسان را برای انجام کار به داشتن دست و انعطافهای فراوان آن مجهز کرده است. در هنر که مقصدش تقلید و محاکات طبیعت است، عالمی خیالی پدید می‌آید که خود تقلید و محاکاتی از عالم واقعی است. اینجاست که هنر با صورتهای خیالی مرتبط می‌شود و در آن قوام می‌یابد. در دوره جدید، در مفهوم و مصداق کهن تکنولوژی، تحولی از بن ایجاد شده است؛ بدین معنی آنسی عمیق‌تر میان

غالباً چنین پنداشته می‌شود که «روشمندی» در انتقال مضامین و موضوعات آموزشی، امر مختص و منحصر به قرن اخیر است و در گذشته و پیش از آنکه غربیان «تکنولوژی آموزشی» را وضع و وصف کنند، در جوامع مشرق زمین، خاصه در جوامع اسلامی وجود نداشته و اگر نیز بوده با چنین ترتیب و آراستگی و تفصیل نبوده است. لذا پیش از ورود به متن بحث و ارائه چند نمونه مصداقی، اندکی به شفاف‌سازی لغت «تکنولوژی» می‌پردازیم:

لفظ تکنیک و تکنولوژی (Technique) ابتدا در میراث فلسفی یونان باستان ظاهر شد. برابر نهاد واژه تکنیک در زبان یونانی یعنی «تخنه» (TECHNE) که در آغاز نتیجه گونه‌ای «ابداع» (به یونانی - POIESIS) یا «محاکات» (به یونانی MYMESIS) امری متعالی تلقی می‌شد به دو معنی ظاهر می‌گردد. معنی نخست آن «تخنه»، همان است که در فارسی با نام «هنر» از آن یاد می‌شود که



تکنولوژی در دست‌ان Sudan Sudan (Utilitarianists) آن قدر از «جوهر طبیعت» دور و به نفسانیات آدمی میل پیدا می‌کند که گاه به اوهام بشری شباهت بیشتری می‌یابد تا به طبیعت. بدین سان می‌توان گفت که تکنولوژی عصر جدید، بیشتر گونه‌های تکنولوژی انتزاعی و مجرد است و ابزاری در راستای «رقابت» و نه «رفاقت» با طبیعت. اما تخته (که بعدها در لغت اروپاییان به تخته تبدیل شد) در «تمدن‌های دینی» صورتی دیگر دارد؛ در اینجا صنعت‌گر به اثر خود از سویی صورتی طبیعی و از سوی دیگر سیمایی روحانی و شهودی می‌بخشد و آن را از حکمت معنوی دین برخوردار می‌سازد و از «شیئیت صرف» که با آدمیان در تعاملی به‌غایت مکانیکی و عملکردی است بیرون می‌آورد و میان خود، اسباب و محصول مؤانستی خاص ایجاد می‌کند.

بدین ترتیب ابزار در تکنولوژی (صنعت) قدیم ادامه وجود انسان است نه چیره بر او و مستغرق در او. برای همین است که از آغاز تا فرجام کار، ابزارها در سیطره اراده انسانی مطرح هستند نه این که آدمی و حقیقت‌والای او در چنبره خواست آنان باشد. در گذشته لفظ صنعت‌گر یا کسی که با تخته (هنر) سرو کار داشت با لفظ صنعت‌گر در این دوره بسیار متفاوت بود و افاده معنایی خاص خود را داشت؛ چرا که بی‌واسطه ماشین و «اتوماسیون» به ابداع می‌پرداخت و نظر و عملش در

فرآیند پروردن و «آفرینش ساختمند»، اساسی بود. اما امروزه که ماشین دایر مدار می‌کند و نمونه مثالی را با سرعتی شگفت و با حذف حلاوت‌های متفرد از اثری منحصر به فرد (Monotype) تکثیر می‌کند، در این چرخه دیگر صنعت‌گر فاعل محض نیست؛ بلکه او کارگزار محجوب ابزارهای هوشمند و رایانه‌های جسور و سریع‌العمل شده است و متفرد او این چنین در گستره تولید همانند و بسیار، استحال می‌گردد.

متأسفانه تکنولوژی آموزشی در عصر امتیاز ماشین و «تلقی جدید از مفهوم تکنیک» نخست وجود «ابزارهای واسطه‌ای الکترونیکی» را به ذهن متبادر می‌سازد و بسیاری کسان تصور می‌کنند که در این میانه بدون عناصر الکترونیکی، نمی‌توان آن را تمام و کمال تکنولوژی آموزشی نامید. حال آن که می‌دانیم تکنولوژی آموزشی طیفی بسیار گسترده دارد و همه مهارت‌های کارساز در راستای انتقال مقصود را در بر می‌گیرد. وظیفه تکنولوژیست آموزشی در اینجا آن است که در بسطی از «التذاد» و در «سهل‌ترین گونه ممکن»، مواد آموزشی را به سرزمین ذهن پیامگیران برساند و در آن جایگاه و مقام تثبیت سازد.

بهره‌گیری از شعر در آموزش

در گذشته فرهنگی ما، استادان دانشها و حرف و مشاغل، از وسایل و

امکانات مختلف (خاصه هنر) در انتقال مقصود و منظور خود استفاده می‌کردند و به شیوه‌دار بودن و اتخاذ انواع مهارت‌های عصر خود در امر آموزش معتقد و معترف بودند و این دقیقه ارزشمند تنها از مصادر ذوقی غریبان برتراویده است. یکی از این وسایل کارآمد شعر بود. آنان از این وسیله پرفروغ و پرنفوذ استفاده‌های فراوانی به عمل می‌آوردند و می‌کوشیدند تا به دلیل برخورداری شعر از ماده خیال، ذهن پیامگیران را نسبت به ایجاد تصویر برانگیزانند و آنان را به ادراک عالی‌ترین مفاهیم علمی و اخلاقی سوق دهند. البته شعر علاوه بر این که کلامی «مخیل» است و قوه خیال (مضوره) به عنوان «نیروی ایجاد کننده و ترکیب‌کننده تصویر» در آن متجلی و برخوردار از عنصر وزن (ریتم) است طبعاً مجال افزوتتری برای حفظ کردن و به خاطر سپاردن مطالب آموزشی در اختیار ذهن می‌گذارد.

در بررسی علل موفقیت و تأثیرگذاری شعر در نهادینه کردن مضامین آموزشی می‌توان گفت:

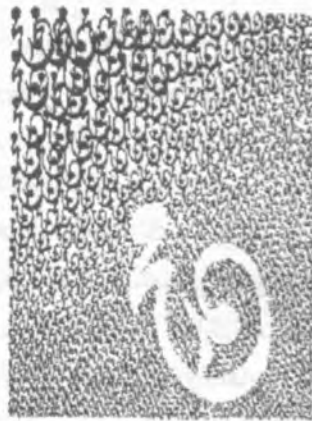
۱. شعر از کوشش و جاذبه‌ای خاص برخوردار است که به دلیل ساختار ویژه‌اش^۱ بیش از بیان مستقیم در دعوت ذهنی مخاطبان مؤثر است.
۲. مخاطبان به هنگام روبرو شدن با آن در مقایسه با روشها و فنون برنامه‌های رسمی که اغلب جنبه اجباری دارد از آزادی بیشتری بهره‌مند هستند.^۲
۳. پیامگیران در فهم منظور نهفته در شعر و یافتن مطالب از نقش متفرد و



۲- آموزش اخلاقی

نخستین اثر منظوم و مستقل فارسی که در نهادینه سازی ارزشهای اخلاقی کوشید «بندنامه انوشیروان» است که «بدایعی بلخی»، معاصر سلطان محمود غزنوی آن را در بحر متقارب سرود. همچنین سنایی، عطار، مولوی، نظامی، سعدی و ناصر خسرو هر کدام به نحوی از سلاح شعر در آموختن کمالات اخلاقی به مخاطبان خود می‌کوشیدند و حله زیبایی به قامت کلام در می‌پوشیدند.

ناصر خسرو در قصاید خود می‌سراید:
 بترس سخت ز سختی چو کار آسان شد
 که چرخ زود کند سخت کار آسان را
 برون کند چو در آمد به خشم، گشت زمان
 ز قصر قیصر و از خوان خویشتن خان را
 بر آسمان ز کسوف سیه رهائش نیست
 مر آفتاب درخشان و ماه تابان را
 ز چیزهای جهان هر چه خوار و ارزان شد
 گران شده شمر آن چیز خوار و ارزان را
 ○ افصح المتکلمین سعدی شیرازی در
 باره وضعیت اخلاقی امرا، فرماندهان و
 کارگزاران ایشان از زبان خسرو به
 شیرویه چنین می‌گوید:
 بر آن باش تا هر چه نیست کنی
 نظر در صلاح رعیت کنی
 میبچ ای پسر گردن از عدل و رای
 که مردم ز دست نبیچند پای
 خرابی کند خصم شمشیر زن
 نه چندان که دود دل پیره زن
 خدا ترس را بر رعیت گمار
 که معمار ملک است پرهیزگار



چنین می‌سراید:

تخته اول که الف نقش بست
 بر در محبوبة احمد نشست
 حلقه حی را کالف اقلیم داد
 طوق ردال و کمر از میم داد
 لاجرم او یافت از آن میم و دال
 دایرة دولت و خط کمال
 بود در این گنبد پیروزه خشت
 تازه ترنجی ر سزای بهشت
 رسم ترنج است که در روزگار
 پیش دهد میوه سن آرد بهار
 کنت تیا که علم پیش برد
 ختم نبوت به محمد سپرد
 مع که بگین دان ز برجند شد دست
 خاتم او مهر محمد شد دست
 گوش جهان حلقه کش میم اوست
 خود دو جهان حلقه تسلیم اوست
 خواجه مساح و مسیحض غلام
 آنت بشر اینت بشر به نام
 امی گویا به زبان فصیح
 از الف آدم و میم مسیح
 همچو الف راست به عهد و وفا
 اول و آخر شده بر انبیا

فعالی برخوردارند و همین امر آنان را در آغوش‌گشایی بر روی شاهد شعر شوق می‌افزاید.

۴. شعر در محسوس‌سازی امور معقول و در عینیت بخشیدن به مفاهیم کلی و نامحسوس توانمندی خاصی دارد و می‌تواند مضامین ثقیل را به دلیل زبان خاص خود به ذهن نزدیک و نزدیک‌تر سازد.

۱- آموزش دینی

○ در «نصاب الصبیان» ابونصر قراهی آمده است:
 ای تو را در فهم معنی داده حق طبع سلیم
 هیچ می‌دانی چند دارد نام قرآن کریم؟
 هم کتاب است و کلام و هم مبارک هم
 شفا
 عهد و فرقان و مبین و جبل و بشری و
 حکیم
 باز تیان و بلاغ و رحمت و ذکر و هدی
 موعظه، نور و بیان است و صراط المستقیم
 ○ یا در بیان نامه‌های رسول مکرم اسلام
 صلوات الله علیه چنین آمده است:
 ز نامه‌های رسول خدای در قرآن
 در این دو بیت ز من بیست نام دیگر گیر
 نبی و امی و عبث و مُرْمَل و نعمت
 رسول و صدق و رؤف و رحیم و نور و
 نذیر
 بشیر و شاهد و داعی و مصطفی و امین
 کریم و رحمت و مدثر و سراج و منیر
 ○ نظامی گنجوی در معرفی اوصاف
 رسول اکرم اسلام حضرت محمد
 مصطفی (ص) در مخزن الاسرار این



در دوره‌های بعد نیز اشعار محتشم کاشانی، ملک الشعرای بهار و پروین اعتصامی از حیث در برداشتن جنبه‌های شفاف آموزش اخلاقی قابل توجه است.

○ پروین اعتصامی، شاعره بلند آوازه ایران، در خصوص ترکیه نفس، سعی و تلاش، دانش طلبی و پاک باطنی چنین می‌سراید:

- از غبار فکر باطل، پاک باید داشت دل تا بداند دیو کاین آینه جای گرد نیست
- بی رنج زین پیاله کسی می نمی خورد بی دود این تنور به کس نان نمی دهد
- بکوش و دانشی آموز و پرتوی بکن که فرصتی که تو را داده اند بی بدل است
- خیال کز به کار کز گواهی ست سیاهی هر کجا باشد سیاهی ست

۳- آموزش هنری و حرفه‌ای

ادیبان و شاعران نازک اندیش و آتیه نگر ما همچنین از ابزار شعر در ترغیب مخاطبان به آموزش فنون و حرف و هنرها آثار گرانسنگی از خود به یادگار گذاشته‌اند که به عنوان شاهد مثال می‌توان خزانه منوچهری و نصاب

الصبيان ابونصر فراهی را (که در تعلیم لغت اهتمام فراوانی داشته است) نام برد: مثلاً در آموزش بحر تقارب چنین سروده‌است:

○ به بحر تقارب تقرب نمای بدین وزن میزان طبع آزمای
فعلون فعلون فعلون فعلون
چو گفتی بگویی مه دلبرای

○ نظام الدین سلطانعلی مشهدی ملقب به قبله الکتاب و زبدة الکتاب و سلطان الخطاطین (قرن دهم هجری) در کیفیت توضیح خط نستعلیق و معرفی واضع آن این چنین می‌سراید:

نسخ تعلیق گر خفی و جلی ست
واضع اصل خواجه میر علی ست
حسبش بوده با علی ولی
نستش نیز می‌رسد به علی

تا که بوده ست عالم و آدم
هرگز این خط نبوده در عالم
وضع فرموده او به ذهن دقیق
از خط نسخ و ز خط تعلیق
نی کلکش از آن شکر ریز است

اصلش از خاک پاک تریز است
○ در گذشته برای تعلیم انواع گونه‌های خط، آن را این چنین به هنر پژوهان می‌آموختند:

انواع خطوط اگر که خواهی ای یار
ثلث است و رفاع و نسخ و توقیع و غبار
ریحان و محقق است و توقیع و دگر
خطی است مسلسل چو سر زلف نگار^۲

○ نیز هر گاه که جوینده‌ای بر آن می‌شد تا بر سر درس آموزش خطاطی بنشیند؛ نخستین کلماتی که به او داده می‌شد و می‌بایست پیوسته آن را بر لوح دلش ثبت و ضبط داشته باشد و دستوراتش را به کاربندد این ابیات بود:

ای که خواهی که خوشنویس شوی
خلق را مونس و انیس شوی
خطه خط مقام خود سازی

عالمی پر ز نام خود سازی
ترک آرام و خواب باید کرد
وین به عهد شباب باید کرد

○ گاهی در تهیه انواع لوازم التحریر به شاگردان این چنین می‌آموختند:

مثلاً در تهیه مرکب معمولی:
بستان درمی دود چراغ بی نم
صغ عربی در اوفکن چار درم
مازو دو درم نیم درم ترکی زاج
از بهر مرکبش فرو سای به هم

○ خواجه میر علی هروی در شرایط خطاط شدن و اسباب مشق به شاگردان این ابیات را می‌آموخت:

پنج چیز است که تا جمع نگردد با هم
هست خطاط شدن نرد خرد امر محال
دقت طبع و وقوفی زحمت و خوبی دست
طاقت محنت و اسباب کتابت به کمال
گریکی راست از این پنج قصوری حاصل
ندهد فایده گر سعی نمایی صد سال

امکان کتب ابواب هنری

۴- آموزش علمی



یکی از کسانی که در قرن بعد از ناصر خسرو از شعر در تصویر مسایل مهم اجتماعی آن هم در نهایت شیوایی در قطعات خود استفاده کرد اوحدالدین انوری ابیوردی است.

در قرن هفتم هجری بزرگترین شاعر اجتماعی سرای ایران سعدی شیرازی را می‌نگریم که نه تنها در گلستان پاینده خود که آمیزه نظم و نثر است بلکه در بوستان و در قصایدش به طرح مسایل اجتماعی با آراستگی و ترتیب بسیار و ایراد امثال و حکایات دلنشین می‌پردازد سعدی در این راه چندان توفیق می‌یابد که شیوه‌اش مدتها مورد تقلید استادان سخن همچون جامی (بهارستان)، قائلی (پرشان) و فتحعلی‌خان ملک الشعرای صبا کاشانی (گلشن صبا) قرار می‌گیرد. نمونه‌هایی از اشعار انگیزه آفرین سعدی را در این زمینه می‌خوانیم:

○ اگر چه پیش خردمند خامشی ادب است
به وقت مصلحت آن به که در سخن
کوشی

دو چیز طیره عقلست دم فرو بستن
به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

○ چو جنگ آوری با کسی بر ستیز

که از وی گزیرت بود یا گریز

○ نکند جور پیشه سلطانی

که نیاید ز گرگ چوپانی

○ پادشاهی که طرح ظلم افکند

پای دیوار ملک خویش بکند

○ همان به که لشکر به جان پروری

که سلطان به لشکر کند سروری

○ مین آن بی‌حمیت را که هرگز

۵- آموزش اجتماعی

ناصر خسرو قبادیانی در قرن پنجم با سرودن قصاید طولانی در انتقادهای مستدل اجتماعی و به نظم کشیدن مثنوی‌های «روشنایی نامه» و «سعادت‌نامه» در پند و حکمت، خود را به عنوان مشهورترین و تواناترین شاعر در استفاده آموزشی از عنصر شعر معرفی کرده‌است. او در آثار مشهوری چون «سیرالعباد الی المعاد»، «طریق التحقیق» و «حدیقه الحقیقه» ضمن آنکه به نکات عرفانی و اخلاقی توجه دارد متمایل به راهنمای سودمند اجتماعی نیز می‌شود.



○ دلم در بند یک دلبر مدام است
که رویش قبله گاه خاص و عام است
اگر خواهی شناسی آن کدام است
دومیم و چارکاف و هشت لام است
همچنان که معلوم است شاعر با استفاده از نماد عددی حروف ابجد (دو میم = ۸۰، چهار کاف = ۸۰، هشت لام = ۲۴۰) جمعاً ۴۰۰ را پدید آورده است که به حروف ابجد می‌شود «شمش». همچنین در معرفی عدد صفر به زیبایی می‌سراید:

○ به صورت هیچ مقداری ندارد

به تنهایی فزونی هم نیارد

ولی گر پیش ارقامش گذاری

رقم بر بی‌نهایت ره سپارد

○ من از آحاد جسم یک عدد را

از او سی کم کنی هفتاد گردد

اگر سی را بیفزایی سر او

به شکل یک همان آحاد گردد

هر آن کس حل نماید این معما

به علم جبر او استاد گردد

○ بعد از اینم نبود شائبه در جوهر فردی

که دهان تو بر این نکته خوش

استدلالی ست

به همین‌سان در معرفی انواع جلوات

طبیعت، اشعار نغزی می‌سرودند:

○ ای مریب دیدی ار عکس مرا اندر لغز

جیوه را وارونه کن از آن مریایی پیز

○ زبان گنجشک نام دیگر اوست

همیشه در کنارش سبزه و جوست

درختی پرشاخ و سایه دارست

کنارش گر بیا سایی چه نیکوست



پانوشته‌ها:

۱. به گفته ابن سینا در کتاب شفا، شعر عموماً کلامی مخول و خیال‌نگیز است که از اقوالی موزون و متمسای ساخته شده است. شعر به اعتبار زبان مجازی‌اش از سایر نوشته‌هایی که در حوزه آثار علمی و گزارشی قرار دارند، متمایز است. ماهیت شعر، زاینده قدرت تخیل و تصویرگری، وسایل آن بیان مجازی و آرایش آن وزن یا ایقاع، قافیه و دیگر صناعات لفظی است. بنابراین طبیعی است که چنین وسیله‌ای در انتقال، تهییج، تبیین، تنویر و تلطف محرکات فطری مختلف بسی کارآمد باشد.

۲. فرودین، پرویز، از شعر تا شعر درمانی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۹.

۳. منظور شاعر از آوردن آخرین مصراع، معرفی خط ترسل است که باز در معرفی آن به زبان شعر این چنین سروده‌اند: ای زلف تو آشفته تر از خط ترسل

بهر دامن زلف تو مرا دست تو تسل

از محرومان جامعه را در شعر متجلی سازند:

ملک الشعراء بهار در آثاری همچون قصیده «دماوندیه» خود می‌سرایند:

بفکن ز بی این اساس تردیر

بگسل ز هم این نژاد و پیوند

برکن ز بن این بنا که باید

از ریشه نای ظلم برکند

زین بی‌خردان سفله بستان

داد دل مردم خردمند

در غرب، نخستین آثار منظومی که سعی در ارتقاء و مراتب آموزشی جامعه داشت به یونانیان تعلق دارد، «هویه» دو منظومه آموزشی به نام «کارها و روزها» و دیگری به نام «ته توگونی» دارد. او در منظومه کارها و روزها با زبان شعر آموزش کشت و زرع را پیشه می‌سازد و همزمان می‌کوشد تا به موازات حرفه آموزی با استفاده از زبانی آهنگین و تأثیر گذار به اعتلای اخلاقی مخاطبان نیز مدد رساند. همچنین «ویرژیل» شاعر روم باستان، «روستائیان»های خود را در باره روش نگهداری مزارع و کیفیت اداره آن و «هوراس» «هنر شاعری» را در آموزش نقد شعر می‌سرایند:

○ به هر تقدیر، شعر، ابزار کارآمدی در نهادهای سازمندی مضمین آموزشی است، پیشینیان ما از به کار بستن آن غافل نبودند و ما نیز نباید از این ابزار آموزشی توانمند غفلت بورزیم.

نخواهد دید روی نیکبختی

که آسانی گزیند خویشان را

زن و فرزند بگذارد به سختی

○ دوست مشمار آنکه در نعمت زند

لاف یاری و برادر خواندگی

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

○ اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی

برآوردند غلامان او درخت از بیخ

همچنین نظامی گنجوی در

مخزن الاسرار خود بهترین نمونه‌های

استفاده از شعر در بیان لطایف و ظرایف

اجتماعی را متجلی می‌سازد.

به طور کلی از دوره غزنویان تا تیموریان

(قرون پنجم تا دهم هجری) شعر

جلوه‌گاه طرح مسایل اجتماعی گوناگون

بوده است که بیش و کم در عرضه‌های

شاعران خلاق این دیار دیده می‌شود،

اما به خصوص در تاریخ کشور ما بعد از

مشروطه است که مسایل اجتماعی و

سیاسی در شعر محوریت بیشتری پیدا

می‌کند و آن را غنی‌تر می‌سازد. در این

دوره شاعرانی چون ادیب الممالک

فراهانی، علامه علی اکبر دهخدا، ملک

الشعراء بهار، میرزاده عشقی، فرخی

یزدی و سید اشرف الدین حسینی

(نسیم شمال) به تصویر کردن

ملموس‌ترین مسایل اجتماعی و سیاسی

روی می‌آورند و می‌کوشند تا تلقی خود

از جامعه مطلوب را به مخاطبان خود

بیاموزند و آنها را با تحولات جدید آشنا

سازند و مضامینی چون آزادی، وطن

دوستی، ظلم ستیزی، مبارزه با جهل و

خرافه و فقر و فساد اجتماعی و حمایت

